

## اعتقاد به عید پاک و یا خرگوش عید پاک؟

اول قرن نهم باب 15 آیات 1 الی 11



ای برادران من،  
 اکنون می‌خواهم  
 مرده‌ای را که قبلاً  
 به شما اعلام  
 کرده بودم و شما  
 قبول نمودید و در  
 آن پایدار هستید،  
 بباد شما بیاورم .  
 اگر به آن متوسل  
 باشید به وسیله  
 آن نجات می‌یابید،  
 مگر اینکه ایمان  
 شما واقعی نباشد.  
 آنچه را که به من

رسیده بود یعنی مهم‌ترین حقایق انجیل را به شما سپردم و آن این است که مطابق پیشگویی‌های تورات و نوشته‌های انبیا، مسیح برای گناهان ما مرد و مدفون شد و نیز بر طبق کتاب مقدس در روز سوم زنده گشت و بعد خود را به پطرس و پس از آن به دوازده رسول ظاهر ساخت و یکبار هم به بیش از پانصد نفر از پیروان دیگر ظاهر شد، که اغلب آنها تا امروز زنده‌اند ولی بعضی مرده‌اند . بعد از آن یعقوب و سپس تمام رسولان او را دیدند. آخر همه، خود را به من که در برابر آنها طفلی نارس بودم، ظاهر ساخت؛ زیرا من از تمام رسولان او کمتر هستم و حتی شایستگی آن را ندارم که رسول خوانده شوم، چون بر کلیسای خدا جفا می‌رسانیدم . اما به وسیله فیض خدا آنچه امروز هستم، هستم و فیضی که او نصیب من گردانید، بیهوده نبود؛ زیرا من از همه ایشان بیشتر زحمت کشیدم . گرچه واقعاً من نبودم؛ بلکه فیض خدا بود که با من کار می‌کرد . به هر حال خواه من بیشتر زحمت کشیده باشم، خواه ایشان، تفاوتی ندارد. زیرا این است آنچه همه ما اعلام می‌کنیم و شما نیز به این ایمان آورده‌اید.

در سال 1722 چند ملوان خسته در جنوب اقیانوس آرام در جزیره ای برای استراحت پیاده شدند. این جزیره تقریباً 165 متر مربع بود و برای ملوانان کاملاً غریب بود. آنها حتی چیزی در مورد مردم این جزیره و فرهنگشان نمی‌دانستند. آنان هیچ چیز بخصوصی در این جزیره نیافتند. تنها یک چیز در آنجا نظرشان را جلب نمود. در روزی که ملوانان وارد این جزیره ی 165 متر مربعی شدند روز عید پاک بود. از آن زمان این جزیره ایستر (جزیره ی عید پاک) نام گذاری شد. و تا امروز به همین نام باقی ماند. در غیر این صورت این جزیره اصلاً ربطی به عید پاک ندارد. متأسفانه ملوانانی که در آن زمان وارد این جزیره شدند نیز کاری که یاد آور قیام عیسی مسیح باشد انجام ندادند. و اینچنین یک جزیره ی به وجود آمده نیز می‌تواند شادی قیام عیسی مسیح را تجربه کند. اگر حقیقتش را بخواهید هروقت که چیزی مربوط به بشارات انجیل و یا تشکیل کلیساها باشد همه چیز اتفاقی صورت می‌گیرد. و علیرغم این مردم ایمان آوردند. علاوه بر آن ما می‌توانیم گمراه شده و خرگوش عید پاک و شکلات را جزئی از مراسم قیام عیسی مسیح بدانیم.

در حال حاضر مردمان زیادی در طول تاریخ بشر وجود دارند که نام عیسی مسیح را به دوش کشیده اند. همچنین تمام کلیساها نام عیسی مسیح و قیام او را به دوش می کشند. و گاهی اوقات ما باید از خود بپرسیم که آیا این اسم ها همانند خرگوش عید پاک و یا شکلات تنها محصول فرهنگ هستند یا خیر. آیا شاید نام عیسی مسیح و قیام وی دقیقا به مقدار اندکی با خود عیسی مسیح ارتباط داشته باشد که جزیره ی ایستر در جنوب اقیانوس آرام با عید پاک ارتباط دارد؟ حتی امروزه ما از خود خواهیم پرسید چگونه می شود که از جشن عید پاک ما و خرگوش عید پاک یک رستاخیز واقعی به وجود آید؟ نه تنها اسما بلکه واقعا؟ چگونه می تواند اعتقاد به رستاخیز عیسی مسیح به وجود بیاید؟ چگونه می شود ما به جای اینکه هروقت در حال پر کردن فرم های اداری هستیم و در مربع مذهب مسیحیت را می نویسیم این عمل تنها اسمی نباشد بلکه حقیقی و از درون قلب باشد؟ چه اتفاقی خواهد افتاد اگر عید پاک را چیزی بیشتر از تخم مرغ و شکلات عید پاک بدانیم؟ در موعظه ی امروز ما پولس می خواهد شادی واقعی رستاخیز عیسی مسیح را برای ما آشکار سازد. برای گفتن واقعیت قلب پولس رسول همانند اولین کلیسای تاریخ بشر می درخشید زیرا او به رستاخیز عیسی مسیح ایمان داشت. و این ایمان به رستاخیز را پولس رسول می خواهد به ما نیز نشان دهد. سه چیز در بشارت به رستاخیز عیسی مسیح بسیار مهم هستند:

1. ایمان به این که عیسی مسیح برای گناهان ما مصلوب و کشته شده است.
2. ایمان به این که عیسی مسیح در روز سوم از مردگان برخاست.
3. این که عیسی مسیح خود به تنهایی خود را برای ما آشکار ساخت

پولس رسول این سه اصل را بشارت می دهد و میداند که این سه اصل پس از رستاخیز عیسی مسیح در کلیساها سنت شده اند. سوال اینجا است که چرا پولس رسول برای این ایمان بسیار جنگید و آن را مکرر یاد آوری می نمود؟ علاوه بر این می توان پرسید که چرا مسیحیان برای این اعتقاد بیش از 2000 سال جنگیدند؟ چرا ما امروزه نیز باید این ایمان را به یاد بیاوریم و بدانیم که این ایمان زندگی را به ما هدیه می دهد؟ **عیسی مسیح برای گناهان ما مرد، او از مردگان برخاست و خود را برای ما آشکار نمود.** این ایمان به این دلیل مهم است که اگر عیسی مسیح نبود کلیسای مسیحی نیز همانند خرگوش و تخم مرغ عید پاک هیچ ربطی به یکدیگر نداشتند و یا همانند جزیره ی ایستر و عید پاک. نیازی به گشتن طولانی برای پیدا کردن تناقضات این مسائل با یکدیگر نداریم. مخالفت در مورد این ایمان همان مخالفت انسانی بر ضد خداوند است. و این مخالفت در داخل هر انسانی نهفته است. حتی در ما! این را می توانیم در تک تک رسولان نیز ببینیم. عیسی مسیح پیاپی این موضوع که او خواهد مرد و پس از سه روز از مردگان رستاخیز خواهد نمود را برای آنان یاد آوری می نمود. و هنگامی که عیسی مسیح بر روی صلیب جان داد و به خاک سپرده شد و بخش اول به حقیقت پیوست آنان دیگر فکر نمی کردند بخش دوم که برخاستن از مردگان است را عیسی مسیح بتواند انجام دهد. در حقیقت می توان گفت که رومیان و یهودیان رستاخیز عیسی مسیح را بهتر درک کرده اند. زیرا آنان به این نتیجه رسیدند که پس از به خاک سپردن عیسی مسیح مقبره ی او را با سنگی بزرگ مهر و موم نمایند که کسی نتواند به آنجا وارد و یا از آنجا خارج شود. در آن زمانی که عیسی مسیح داخل مقبره اش آرمیده بود کسی گمان نمی کرد که او رستاخیز کند بنابراین هیچ یک به این اصل ایمان نداشتند. هیچ یک از شاگردان او در این فکر نبودند که پس از سه روز به مقبره ی وی سر بزنند که آیا این اصل حقیقت داشته است یا خیر. در عوض زنان بی اطلاع برای بازدید از مقبره ی وی به آنجا رفتند. آنان تنها می خواستند برخی از آیین های انسانی پس از خاکسپاری را به جا بیاورند. ما انتظار یعقوب، یوحنا، پطرس و ... را داشتیم که مقبره ی وی را تحت نظر بگیرند که آیا او از مردگان بر می خیزد یا خیر! این شاگردان ایمان به رستاخیز او را نداشتند! این مساله در انجیل کاملا مشخص است. سخنان عیسی مسیح پس از به خاک سپردن وی دیگر معنایی نداشتند. حتی زمانی که

فرشته بر آن زنان ظهور کرد کمی زمان برد تا کلام فرشته از حس سفت و سخت آنان عبور کرده و ایمان به رستاخیز را در آنان روشن سازد. مرگ این چنین متقاعد کننده است! مرگ امروزه نیز این گونه متقاعد کننده در برابر اعتقاد به رستاخیز می‌جنگد. یکشنبه به یکشنبه در کلیسای مسیحی ما به این اصل اعتراف می‌کنیم: **در روز سوم از مردگان برخاسته، به آسمان صعود نموده و به دست راست خدای پدر قادر مطلق نشسته است.** اما هنگامی که من در بستر مریضی و در انتظار مرگ در تخت دراز کشیده ام و یا امید خود را به جهت این جنگ های پی در پی و خونین از دست داده ام اعتقاد به رستاخیز برایم بسیار سخت خواهد بود. و هنگامی که من بر سر مزار انسانی خوب در این جهان ایستاده ام و نوشته ی سنگ قبر او را می‌خوانم آیا می‌توانم ایمان داشته باشم که از این شن و یا خاکستر وی زندگی ای دوباره به وجود خواهد آمد؟ پولس رسول هشدار می‌دهد: اگر ما به رستاخیز ایمان نداشته باشیم پس تمام ایمانمان بیهوده است! بنابراین ما هیچ گروه کلیسایی و یا خود کلیسا نیستیم. بنابراین گروه کلیسایی ما همان قدر نامربوط به عیسی مسیح است که جزیره ی ایستر، خرگوش، تخم مرغ و شکلات عید پاک هستند. بنابراین اگر ما به رستاخیز عیسی مسیح ایمان نداشته باشیم پس به خود او نیز ایمان نداریم! با این حال می‌بینیم که خداوند خود را وارد این بازی کرده و به ما ایمان به رستاخیز را هدیه می‌دهد. بشارات رستاخیز عیسی مسیح از جمله بشارات بسیار زیبا هستند به طوری که آن ابتدا در کلیسا جوانه می‌زند و سپس در شما رشد کرده و با اعتماد به نفس قوی می‌شود. به طوری که شاگردان و پولس رسول تحت خطرات جانی نیز این پیام را با خوشحالی به دیگران می‌دادند. آنجا ما در ابتدا زنان را می‌دیدیم. آنان غمگین و افسرده به سمت مقبره ی عیسی مسیح میرفتند تا سنت های پس از خاک سپاری را به جا آورند. سنت های بیهوده ای که امروزه نیز آنها را به جا می‌آوریم. سپس آنان درب باز شده ی مقبره را می‌بینند و نمی‌توانند خود را کنترل کنند. با شادی بسیار به سمت شاگردان وی روانه می‌شوند. این را به همه بگویید. او از **مردگان برخاسته است! به راستی او از مردگان برخاست است!** چه فوق العاده است که از اعماق خسته و پیر ما ایمان زنده به وجود بیاید. این اعتقاد از کسی است که جهان را دگرگون نمود. برای کسی که آن را چشیده است و از چشمه ی آب زندگی نوشیده است دیگر راه برگشتی وجود ندارد. همه چیز به روز جدید رستاخیز و زندگی جدید معطوف شده است:

خداوند ما عیسی مسیح ما از مشکلات و سختی هایمان به سوی تو آمده ایم و از تو می‌خواهیم: دعای ما را مستجاب فرما! از گوشت و فهم ما ایمان نمی‌تواند رشد کند. نور خود را در قلب های ما بتابان و ایمان را به ما هدیه بده! آمین.